

«مقاله ترویجی»

بررسی تحلیلی روش تفسیری شیخ حسن صراف زاده کاشانی در تفسیر الهادی الی الحق المبین

رضا شجری ۱، الهام عربشاهی کاشی ۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان. ایران (نویسنده مسئول). shajary@kashanu.ac.ir

۲. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، مدرس حوزه و دانشگاه.

e.arabshahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

Analytical study of the interpretive method of Sheikh Hassan Sarrafzadeh Kashani in the interpretation of al-Hādī to al-Haqq al-Mubīn

Reza Shajary¹, Elham Arabshahi Kashi²

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Kashan University, Iran. shajary@kashanu.ac.ir

2. PhD of Persian Language and Literature, Kashan University, Iran. e.arabshahi@yahoo.com

چکیده:

Abstract

One of the most important topics in the field of scientific and research works is the methodological critique of those works. Tafsir "Al-Hadi Al-Haq Al-Mubin" is one of the outstanding and distinguished works in the field of religious interpretation and studies, which has been prepared with the aim of getting deeper familiarity with the contents of the Holy Quran. Sheikh Hassan Sarrafzadeh (RA), as a creative and masterful commentator, has been able to act very methodically in this field and to express his religious studies in the best possible way in a simple, expressive, understandable and reasoned language for the public. This famous and simple living cleric, in addition to teaching at different levels and training outstanding students, was also able to create numerous scientific works, of which "Tafsir al-Hadi al-Haq al-Mubin" is an example, and six volumes of it have been published so far. In his commentary, he has used many commentary sources, including Shiite and Sunni commentaries, and the originality of his sources shows his accuracy and good attention to the details and subtleties of the Qur'an. Verbal as well as writing and editing materials are included in this study. Using descriptive-analytical method based on field and oral interviews, the authors have tried to critique and methodology of this interpretive collection, and provide a better and better familiarity for Quranic scholars. However, this great world should be introduced to the audience as one of the valuable heritage of Islamic civilized culture.

یکی از موضوعات بسیار مهم در حوزه آثار علمی و پژوهشی، نقد روش‌شناسی آن آثار است. تفسیر «الهادی الی الحق المبین» در شمار یکی از آثار شاخص و ممتاز در حیطه تفسیر و مطالعات دینی است که با هدف آشنایی بیشتر و عمیق‌تر با مضامین قرآن کریم تهیه و تنظیم شده است. شیخ حسن صراف زاده (ره)، به عنوان مفسر خلاق و چیره‌دست توانسته است در این زمینه بسیار روش‌مند عمل کند و مطالعات دینی خود را به نیکوترین وجه ممکن با زبانی ساده، رسا، قابل فهم و مستدل برای عموم بیان کند. این روحانی نامدار و ساده‌زیست توانست علاوه بر تدریس در سطوح مختلف و تربیت شاگردان برجسته، آثار علمی متعددی نیز پدید آورد که «تفسیر الهادی الی الحق المبین» نمونه‌ای از آنهاست و تاکنون شش جلد از آن به طبع رسیده است. ایشان در تفسیر خود از منابع تفسیری بسیاری اعم از تفاسیر شیعه و سنی بهره برده‌اند و اصالت منابع ایشان، بیانگر دقت و حسن توجه ایشان به دقایق و ظرایف قرآنی است، البته بر این اثر هم مانند سایر آثار بزرگ دیگر، نقدهایی با رویکرد محتوایی، لفظی و نیز نگارش و ویرایش مطالب وارد است که در این پژوهش، نگارندگان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بر پایه مستندات مکتوب و نیز پاره‌ای از مصاحبه‌های میدانی و شفاهی کوشیده‌اند تا ضمن نقد و روش‌شناسی این مجموعه تفسیری و فراهم کردن زمینه آشنایی بیشتر و بهتر قرآن‌پژوهان با آن، این عالم بزرگ هم به عنوان یکی از میراث ارزشمند فرهنگ متمدن اسلامی به مخاطبان معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تفسیر الهادی الی الحق المبین، نقد و روش‌شناسی، صراف زاده، کاشان.

Keywords: Reason, narration, contradiction, conflict, Javādī Amulī.

۱. مقدمه

تفسیر قرآن کریم» (۱۳۸۹)؛ موسوی در مقاله «سبک تفسیری علامه طباطبایی (ره) در المیزان» (۱۳۹۰) و پوراسماعیل و میرزایی و نظری در مقاله «گونه‌شناسی روش تفسیر قرآن به قرآن در روایات تفسیری امام صادق (ع)» (۱۳۹۷) به این مقوله توجه کرده‌اند؛ اما تاکنون هیچ اثری درباره واکاوی شخصیت علمی، اخلاقی و اجتماعی شیخ حسن صرافزاده و نیز مهم‌ترین اثر ایشان یعنی تفسیر «الهادی الی الحق المبین» نگاشته نشده است و در برخی سایت‌ها و منابع به صورت پراکنده و جزئی به معرفی اجمالی ایشان بسنده شده است. اهمیت این پژوهش در آن است که ضمن معرفی اجمالی زندگی و احوال یک چهره برجسته علمی و مذهبی و نقد و روش‌شناسی مهم‌ترین اثر تفسیری ایشان، زمینه حفظ و ماندگاری چنین شخصیت‌هایی به عنوان میراث ماندگار در حوزه تمدن اسلامی نیز میسر می‌گردد.

۲-۱- روش‌شناسی

روش در روش‌شناسی، همان مجموعه فعالیت‌هایی است که برای رسیدن به هدف خاصی صورت می‌گیرد. در روش علمی هم ضمن دربرگرفتن شرح اصول اساسی در هر کار تحقیقی، کلیه وسایل و مراحل جمع آوری نظام‌مند اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آنها برای نیل به یک هدف معین را در برمی‌گیرد (آسایش و مشیری، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۵)؛ نیز رجوع شود به: لاری بی، ۱۳۸۷: ۴۹؛ فتح الهی، ۱۳۸۰: ۱۷)؛ اما روش‌شناسی برگردان methodology است که در عربی به آن «علم المنهج» و گاهی هم «علم العلوم» گویند. درحقیقت، روش‌شناسی بخشی از علم منطقی است که درباره روش‌های مختلف معرفت و علوم

کاشان یا قاسان^۱، همواره شهری پر نعمت و کانون دبیران، ادیبان، فضلالی لغت عرب و نیز کانون خطّ خوش بوده است (مؤلف ناشناس، ۱۴۰۳ ه.ق: ۱۴۳؛ نیز رجوع شود به: راوندی، ۱۳۸۶: ۵۲؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۱۴/۲؛ جعفریان، ۱۳۶۸: ۱۳۰-۱۳۱؛ نراقی، ۱۳۶۴: ۴۸). باتوجه به اینکه دارالمؤمنین کاشان از گذشته تاکنون، مفسران بزرگی همچون ملامحسن فیض کاشانی صاحب تفسیر *وافی* و ملافتح الله کاشانی صاحب تفسیر *منهاج الصادقین فی الزم المخالفین*^۲ را پروراند؛ به گونه‌ای که تفاسیر آن‌ها در شمار تفاسیر نمونه‌اند؛ از این رو، در پژوهش حاضر سعی شده است کارنامه علمی یکی از مشاهیر حوزه علمی و دینی این شهر - فقیه ربانی و روحانی ساده‌زیست، شیخ حسن صرافزاده (ره) - تحلیل و بررسی شود. مهم‌ترین اثر بازمانده از ایشان، مجموعه تفسیر «الهادی الی الحق المبین» است که تاکنون فقط شش جلد از آن به طبع رسیده؛ نگارندگان در این مقاله می‌کوشند تا به نقد و روش‌شناسی این اثر ارزشمند تفسیری بپردازند تا سهمی کوچک در معرفی و حفظ نام و آثار عالمان برجسته؛ اما گمنام کاشان داشته باشند.

۱-۱- پیشینه و اهمیت پژوهش

درباره سبک‌شناسی و روش‌شناختی مفسران بزرگ، آثار فراوانی نگارش شده؛ چنانکه ربانی بیرجندی در کتاب «سبک‌شناسی مفسران: روش‌شناسی سیزده

۱. رک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۵۶۰؛ یاقوت حموی، بی تا: ۴/۲۹۵.

۲. برای توضیح بیشتر درباره *وافی* رجوع شود به: فیض

کاشانی، ۱۳۸۷:؛ موحدی محب، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۸ و برای *منهج*

الصادقین رجوع شود به: کاشانی، ۱۳۴۶.

عبارت دیگر تفسیر قرآن کریم تا حد زیادی تابع عقاید، نیازها، ذوق و سلیقه و جهت‌گیری‌های شخصی مفسر است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: عمیدزنجانی، ۱۳۷۹: ۲۱۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵؛ سبحانی، ۱۴۱۶ ه.ق: ۱۸۹).

نقد روش‌شناسی

مفهوم نقد همان تحلیل و ارزیابی، شناسایی کردن و نمایاندن عیب‌ها است. نقد از طلب و شناخت و سنجش مایه گرفته و به باروری و زمینه‌سازی می‌رسد. مرز نقد و انتقاد را باید مشخص کرد تا از فرو رفتن در چاله‌های شماتت و وراجی و تعصب مصون مانده تا هدف نقد؛ یعنی یافتن و نشان دادن و فراهم کردن زمینه‌ها میسر شود و روش آن معیار داشتن و محک زدن و به کار بستن میزان‌های ثابت است (صاد، ۱۳۹۹ ه.ق: ۱۲-۱۴؛ نیز رجوع شود به: والزر، ۱۳۸۷: ۵؛ برسلر، ۱۳۸۹: ۲۸)؛

به عبارت دیگر، نقد یک مهارت اجتماعی است که موجب پویایی جامعه بشری و موتور حرکت جوامع محسوب می‌شود. نقد، ضمن واری و کنکاش در ویژگی‌ها و خواص، به بررسی تمام ابعاد و سویه‌های مثبت و منفی موضوع نیز می‌پردازد (قاسمی، کشکر، ایزدپرست، ۱۳۹۴: ۴۴-۴۵). البته این گونه تحلیل‌های محتوایی و نقادانه، اشکالاتی را نیز به همراه دارد که بدین شرح است: "نخست این که، دو محقق از دو فرهنگ مختلف به علت تفاوت‌های فرهنگی برداشت‌ها و ارزیابی‌های متفاوتی از یک محتوا داشته باشند. دوم این که خصوصیات محقق، تحلیل‌گر یا کدگذار می‌تواند بر روی نحوه طبقه‌بندی و در نهایت تحلیل، تأثیر بگذارد." (سهرابزاده، ۱۳۹۲: ۵۲)

تحقیق می‌کند؛ چنانکه تحقیق در روش‌های عام مثل تحلیل، ترکیب، استقراء، استنتاج، شهود و استدلال و امثال آن و همچنین تحقیق در روش خاص هر یک از علوم بر عهده علم روش‌شناسی است و هدف آن تعمق در باب فرآیندهای عقلانی یک اندیشه منظم است و می‌کوشد مفاهیم اساسی و ابزارهای عقلانی مورد نیاز یک روش برای وصول به هدف را فراهم کند و به عنوان علمی ابزاری و دستوری، برای فکر، قواعدی را مقرر کرده و به پژوهندگان در جست و جوی بهتر حقایق به ویژه در پژوهش‌های علمی ایشان با استفاده از روش‌های مختلف کمک می‌کند (فتح‌الهی، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۴۶؛ نیز رجوع شود به: نظریگی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۸؛ برومند، بی تا: ۷۱). به عبارت دیگر، روش‌شناسی و روش در کنار هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، چهار عنصر اساسی در هر پارادایم فکری‌اند که پاسخ پارادایمی به آن‌ها، می‌تواند خصیصه موجود در مسیر پارادایمی تحقیقات علمی را توصیف کند (ایمان، ۱۳۸۸: ۴۹؛ نیز رجوع شود به: پارسانیا، ۱۳۹۰: ۶۹)؛ در نتیجه، می‌تواند روش غیر از روش‌شناسی است در روش، مسیر علمی و در روش‌شناسی شناخت آن مسیر و شیوه‌های اندیشه و تولید دانش در زمینه معرفت بشری ارزیابی می‌شود. شناخت روش، یکی از مباحث مهم و بنیادین در امر پژوهش و نیز نظریه پردازی در همه علوم و دانش‌هاست؛ اما مراد از روش‌شناسی در علم تفسیر قرآن، شناخت شیوه‌های کشف معنا، مقاصد و مفاهیم کلام وحی به عنوان تنها مستندات مفسر است که با استفاده از قدرت پردازش و مهارت‌های کلامی مفسر، بیان شده و رویکرد وی را در تبیین آیات الهی از حیث تکیه بر نقل یا اجتهاد شخصی، بیان می‌کند؛ به

۱۳۹۰: ۳۲؛ گلدزیهر، ۱۳۸۴: ۷۵؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۱۹۹؛ بابایی، عزیزی کیا و روحانی‌راد؛ ۱۳۷۹: ۳۲۶؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۱۵؛ علوی مهر، ۱۳۸۹: ۶۷-۱۹۵)؛ برهمن اساس، بررسی‌ها در تفسیر «الهادی الی الحق المبین» نیز نشان داد باتوجه به اینکه مؤلف فرصت نکرده تا این مجموعه تفسیری را به پایان برساند، در نقد روش‌شناسی مجلدات موجود و چاپ شده این تفسیر، می‌توان گفت که این اثر، مجموعه‌ای از روش‌ها را در بر گرفته و موضع آن بیشتر متمایل به روش‌شناختی چندگانه^۱ است و از حصرگرایی و جزم‌گرایی و تأکید انحصاری بر روی یک روش، اجتناب ورزیده است؛ در واقع، وی از انواع روش‌های تفسیری برای بازپروری بهتر مطالب خود، بهره برده است؛ به عبارت دیگر، اگر براساس یک دسته بندی کلی، تفاسیر به دو قسم نقلی و عقلی^۲ تقسیم شود، باید اذعان کرد که تفسیر ایشان از برخی جهات بسیار شبیه تفاسیر عقلی یا اجتهادی جامع است؛ چنانکه مؤلف در تفسیرش برای توضیح معنای آیات علاوه بر استفاده از لغت، ادبیات عرب، آیات و روایات از استدلال‌ات عقلی و گاه داده‌های علمی و به طور کلی از هر چیزی که به فهم آیه و کشف معنا کمک کند؛ به فراخور دانش خود و نیازهای عصرش استفاده کرده است.

البته شایان ذکر است که گرایش مؤلف در تفسیر مذکور تا حدی مبتنی بر شیوه وعظ و خطابه بوده؛ چنانکه وی در نگارش این تفسیر از اطلاعات فراوان حدیثی و نقلی بهره برده است؛ مشخصه‌ای که در شمار

باتوجه به اینکه زاویه دید و نگرش نقاد در نقد متن می‌تواند در دو سطح بیرونی یا ظاهرنگر (Style Criticism) و درونی یا بطن نگر (Semanticism) باشد؛ در این پژوهش نیز نگارندگان کوشیده‌اند ضمن نقد بیرونی که بیشتر مربوط به نمای متن و ارتباط بین اجزای بیرونی در سطح ارتباط بین واژگان، آواها، چینش اجزای متن و ارتباط و کنش متقابل بین آنهاست؛ به نقد درونی یا بررسی حوزه معانی و ساختارها و شبکه‌های معنایی متن و درون مایه آن نیز پرداخته شود (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: فتح الهی، ۱۳۹۴: ۴۵۷). البته می‌توان گفت که نقد روش‌شناسی از شاخه‌های نقد ادبی است و همان گونه که در نقد ادبی به سخن‌سنجی، سخن‌شناسی، شناخت ارزش و بهای یک اثر و شرح و تفسیر آن برای شناخت سره از ناسره یا نیک از بد پرداخته می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ۵/۱)؛ در نقد روش‌شناسی نیز کلیه ابعاد و سویه‌های روش علمی به کار رفته در متن و رویکردهای محقق، مورد نقد، بررسی، توصیف و داوری قرار می‌گیرد؛ چنانکه در نقد روش‌شناسی علوم قرآنی و تفسیر نیز می‌توان گفت که رویکردهای هر مفسر نقش مهمی در انتخاب و گزینش روش‌ها دارد؛ درواقع، هر مفسر بر اساس رویکردهای موردنظر خویش می‌تواند از روش‌های گوناگونی مانند: نقلی؛ مأثور به معنی الاعم (قرآن به قرآن)، مأثور به معنی الاخص (قرآن به روایت)؛ روایی محض؛ باطنی محض؛ تفسیر به رأی، اجتهادی یا عقلی (اعم از: روایی، قرآن به قرآن، ادبی، فلسفی، علمی، جامع، باطنی)، اشاری، رمزی و غیره استفاده کند (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: بابایی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۴-۲۶؛ رضایی اصفهانی،

۱. برای توضیح بیشتر رجوع شود به: شعبانی ورکی، ۱۳۸۵: ۱۴.

۲. برای توضیح بیشتر رجوع شود به: بابایی، ۱۳۸۱: ۸؛ فرامرز

الله میلانی و علامه طباطبایی و در قم از محضر حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله گلپایگانی و آیت الله اراکی بهره برد؛ ولی ترجیح داد تا برای ادامه کسب کمالات معنوی در خدمت مادر تنها و سالخورده خود باشد.

ایشان تشنه علم و فراگیری علوم دینی و اهل تحقیق و تتبع و پژوهش بود تا جایی که به تفسیر علمای شیعه و سنی هم نقد وارد می‌کردند. وی مدت شصت سال، امام جماعت مسجد کیهان بود و ده‌ها سال در حوزه‌های علمیه آیت الله یثربی و مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس مشغول بود؛ چنانکه برخی از روحانیون و طلاب معاصر کاشانی هم به گونه‌ای شاگرد ایشان بوده‌اند. به رغم این مشغولیت‌ها، قریب ۵۰ سال، هر هفته، روزهای پنج‌شنبه و جمعه سعی می‌کرد تا مذاکره و مباحثه علمی با مراجع دینی قم را از دست ندهد. دیدار با آیات عظام میرزا کاظم شیرازی، سیدمحمداماد، خوانساری، انصاری، مروج جزایری، کوبکی، روحانی، وحیدخراسانی، علامه فانی و میرزا جواد تبریزی حاصل این اقامت‌های دو روزه در قم بود. ایشان از برخی علمای بزرگ، اجازه شفاهی برای روایت و حدیث داشتند؛ دیدار و مراوده علمی با آیت الله العظمی سیستانی و علامه جعفری (ره) هم از دیگر افتخارات ایشان بود. از مهم‌ترین مشخصات اخلاقی و رفتاری این معلم اخلاق، می‌توان به صفای باطن، ورع و تقوا، بی‌آلایشی و فرار از مریدپروری و تقدس مآبی و عوام‌گرایی اشاره کرد.

از مهم‌ترین آثار به‌جا مانده از ایشان می‌توان به کتاب تفسیر موضوعی «*الهادی الی الحق المبین*» اشاره کرد که ۶ جلد آن تاکنون به طبع رسیده است و جلد اول شامل سوره‌های حمد و قدر و توحید، جلد دوم شامل

یکی از ویژگی‌های مهم تفاسیر واعظانه است و بررسی اسامی منابع فراوان روایی و حدیثی مورد استفاده در این تفسیر-در پی نوشت شماره (۱) پژوهش حاضر- شاهدهی بر این مدعاست.

۲- معرفی اجمالی زندگی‌نامه شیخ حسن صراف زاده کاشانی^۱

این عالم فرزانه و مفسر معاصر، در سال ۱۳۰۹ ه.ش در خانواده‌ای بسیار مذهبی در محله پشت‌مشهد کاشان متولد شدند و در چهارسالگی پدرشان فوت کرد و مادر با قالی‌بافی مخارج ایشان را تأمین می‌کرد؛ در نتیجه، ایشان، فقط تا کلاس چهارم دبستان تحصیل کرده و بعد از آن به شاگردی در مغازه نانوایی و مسگری پرداخته و در مسگری به درجه استادی رسیدند. صداقت و پارسایی، تقوای اقتصادی، انصاف با مشتری و خوش رفتاری با همکاران، او را از سایرین متمایز کرده و او را برای کسب معارف الهی آماده کرد. حضور در نماز جماعت، زمینه‌آشنایی بیشتر او را با پیشوای علوم دینی عصرش، آیت‌الله العظمی امیر سیدعلی یثربی فراهم کرد؛ و به قول خودشان، اخلاق آیت‌الله امیر سیدعلی یثربی، اکسیر وجود ایشان شد تا کار و مغازه را تعطیل کرده و در ۲۷ سالگی به تحصیل دروس حوزوی بپردازد. ایشان، مقدمات را از آیت‌الله حاج آقا رضا مدنی و شیخ علی آقا نجفی فراگرفت؛ اما علاقه شدید به دروس حوزوی، چند صباحی ایشان را به اصفهان کشاند و از جلسات درس مرحوم امیرسیدعلی بهبهانی و تدریس نهج البلاغه میرزا علی آقا شیرازی بهره‌مند شد؛ مدتی هم در مشهد از جلسات درس آیت

۱. مصاحبه با حاج شیخ علی آقا صراف‌زاده (متولد ۱۳۴۹) فرزند

تفسیر ۹۰ آیه قرآن که با لفظ «یا ایهاالذین آمنوا» شروع شده؛ جلد سوم، شامل سوره‌های علق و نصر، جلد چهارم، شامل سوره‌های، ضحی، انشراح، کوثر و نصر؛ جلد پنجم شامل سوره نور و جلد ششم شامل سوره احزاب است و امید است هفتمین تفسیر ترتیبی ایشان از سوره یوسف، به زودی به زیور طبع آراسته گردد. مؤلف در مقدمه جلد اول تفسیر «*الهادی الی الحق المبین*»، قرآن را دارای عبارات و مفاهیمی برای عوام و اشاراتی برای خواص و لطایفی برای اولیا و حقایقی برای انبیا دانسته است؛ همچنین وی در مقدمه این جلد، به محتویات قرآن و معرفی آن از زبان حضرت علی (ع) و امام سجاد (ع) در زمینه فهم قرآن اشاره و افراد را به تعمق و تدبیر و تفکر پیرامون مباحث آن ترغیب کرده‌اند (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۱/۱-۳۳) و قرآن کریم را عامل رفع همه مشکلات دانسته‌اند. وی در فقه هم رساله موجزی در «حکم قصاص مسلمان و غیر مسلمان» نگاشته‌اند. سرانجام در بیست جمادی الاولی ۱۴۳۷ (ه.ق) در سن ۸۵ سالگی از دنیا رفتند.^۱

۳- نقد و بررسی و روش‌شناسی تفسیر شیخ حسن صراف زاده

۳-۱- ویژگی‌های تفسیر *الهادی الی الحق المبین*

این تفسیر در شمار تفاسیر شیعی و گمنام معاصر است که با دقت و تأمل در مباحث آن، ارزش‌های ذاتی آن

برای مخاطبانش، بیشتر آشکار می‌شود. این تفسیر از نوع فنی و حاصل پژوهش و مطالعات شخصی خود ایشان بوده و بیشتر با هدف تعلیم و وعظ، در زمینه‌های مختلف فقهی، حدیثی، روایی، تفسیری و اخلاقی نگاشته شده است. مشخصات تفسیر مذکور، بدین شرح است:

۱-۱-۳- گستردگی دامنه مطالعاتی، اصالت منابع و استفاده فراوان از منابع و تفاسیر معتبر اسلامی

یکی از مهم‌ترین محسنات تفسیر *الهادی* آن است که مؤلف سعی کرده تا از منابع روایی (*اصول کافی*)، *بحارالانوار*، *مناقب ابن شهرآشوب* و...، لغوی (*لسان العرب*)، *لغت نامه دهخدا* و...، تاریخی (*کامل ابن اثیر*)، *سیره ابن هشام* و...، فقهی (*فقه الصادق علیه السلام*)، *الفقه علی مذاهب الاربعه* و...، رجالی (*رجال کشی و رجال مامقانی* و...)، صرف و نحوی (*النحو الوافی* و...)، اخلاقی-عبادی (*صحیفه سجادیه* و...)، ادبی (*مثنوی*)، *گلستان* و... و نیز تفاسیر شیعه و سنی در اثرش استفاده کند. علاقه وافر مؤلف به کتاب شریف *نهج البلاغه* و تشکیل جلسات متمادی تفسیر آن در کاشان، سبب شده، بسامدآماری استفاده از *نهج البلاغه* و شروح آن در مجموعه تفسیری ایشان بیش از سایر منابع باشد؛ به عبارت دیگر، ایشان از *نهج البلاغه* و شروح و توابع آن (*شرح کمال‌الدین میثم بحرانی*)، *ابن ابی‌الحدید* و *میرزاحیب الله خویی* و... ۳۶۳ مرتبه؛ *بحارالانوار* ۳۳۷ مرتبه، *اصول کافی* و فروع و شروح آن (*شرح ملاصالح مازندرانی*)، *صدرالدین شیرازی* و... ۳۲۸ مرتبه و وسایل‌الشیعه ۱۷۰ مرتبه استفاده کرده‌اند. شایان ذکر است که ایشان، هرچند شاعر نبودند؛ اما تاحدی هم شعرشناس بودند و باتوجه به ذوق ادبی فراوانی که

۱. بعد از مرگ هم منزل شخصی ایشان، حدود ۲۵۰ متر واقع در خیابان امام خمینی (ره) در کوچه شهید محمد ستایش‌پور، به همراه کتابخانه شخصی (بالغ بر ۱۰۰۰ جلد کتاب) وقف حسینیه شد (براساس مصاحبه شفاهی با فرزند ایشان حاج شیخ علی آقا صراف‌زاده).

مجمع البیان طبرسی ۵۹ مرتبه بارها استفاده کرده است؛ نیز از تفاسیر مهم اهل تسنن مانند: تفسیر کشاف زمخشری ۷ مرتبه، تفسیر طنطاوی ۵ مرتبه، تفسیر فی ظلال القرآن سیدقطب ۸ مرتبه، تفسیر کبیرازی ۱۵ مرتبه، تفسیر روح المعانی آلوسی ۱۱ مرتبه و تفسیر المنار رشیدرضا ۱۶ مرتبه استفاده کرده‌اند. مؤلف از منابعی مانند نهج البلاغه و شروح مشهور آن مانند: شرح کمال‌الدین میثم بحرانی، ابن ابی‌الحدید و میرزاحبیب الله خوبی، غرر الحکم و دررالکلم آمدی، اصول کافی و شروح آن مانند: شرح ملاصالح مازندرانی، صدرالدین شیرازی، فی ظلال النهج البلاغه، صحیفه سجادیه و شروح آن مانند: شرح سیدعلی‌خان مدنی، وسایل الشیعه حرعاملی، بحارالانوار، عین الحیوه، مرآه العقول و جلاء العیون مجلسی، احتجاج طبرسی، سفینه البحار شیخ عباس قمی، تحف العقول حرانی، مستدرک الوسائل نوری طبرسی، علل الشرایع، امالی و خصال شیخ صدوق، مفاتیح الجنان قمی، مصابیح الانوار سید عبدالله شیر، مجالس المومنین شوشتری، مناقب ابن شهرآشوب، الغدیر علامه امینی، منتهی الآمال و تتبینه الممنتهی محدث قمی، مجمع النصایح ملاعبدالرسول مدنی، احیاءالعلوم غزالی، اختصاص شیخ مفید، عوالم بحرانی، مدینه المعاجز، مفاتیح الغیب، ترجمه نفس المهموم (دمع السجوم) محدث قمی، مسالک الافهام شهید ثانی، مستطرف ایشیاهی، حقایق الاصول سیدمحسن حکیم، رجال کشی، نجاشی و مامقانی، قاموس الرجال علامه تستری، انوار النعمانیه جزایری، اسدالغابه ابن اثیر، جامع‌الشواهد، رمزالمصیبه دهرسخی، الکنی و الالقاب محدث قمی، مستدرک سفینه البحار نمازی، عوالی

داشتند در تفسیر خود از منابع مشهور ادبی مانند **گلستان سعدی و مثنوی** و مثال‌های شعری این آثار برای پرورش مطلب استفاده کرده‌اند.

گستره دامنه مطالعاتی ایشان بسیار وسیع بوده است؛ به گونه‌ای که در شرح و تفسیر برخی موارد، فتوای فقها را نیز افزوده‌اند؛ برای مثال، ذیل مسأله ربا آورده‌اند: «در فقه یک مورد است که حکم به بطلان عمل و حرمت تکلیفی آن نموده‌اند...» (صرف زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۲۶۳/۱) و در ادامه به بررسی این حکم از منظر سایر فقها و علما مانند آیت‌الله العظمی سیدمحمدکاظم یزدی در *عروه الوثقی*، آیت‌الله حکیم در *مستمسک* و مرحوم مجلسی در *مرآت العقول* پرداخته است (صرف زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۲۶۳-۲۶۵)؛ همچنین وسعت دامنه مطالعاتی ایشان سبب شده در برخی مباحث، اطلاعات وسیعی را در اختیار مخاطبان خود بگذارد؛ برای مثال در ذیل تفسیر سوره توحید به ۲۵ نام از مجموع اسامی ذکر شده برای این سوره و نیز خواص آن اشاره کرده است (صرف‌زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۳۰۱-۳۰۴)؛ نیز رجوع شود به: همان، ۱۳۸۴: ۳۰۰/۵-۳۵۱).

مؤلف از تفاسیر مهم شیعی مانند: تفسیر مرحوم ملامحسن فیض (صافی، وافی و...) ۴۲ مرتبه، تفسیر برهان بحرانی ۳۹ مرتبه، تفسیر ابوالفتوح رازی ۶ مرتبه، تفسیر منهاج‌الصادقین ملافتح‌الله کاشانی ۵ مرتبه، تفسیر بیان‌السعادة فی مقامات العبادة حاج سلطان محمد گنابادی ملقب به سلطان‌علیشاه ۳ مرتبه، تفسیر نمونه از جمعی از نویسندگان ۱۱ مرتبه، تفسیر بصائر از یعسوب الدین رستگار جوپاری ۲ مرتبه، تفسیر المیزان علامه طباطبایی ۱۷ مرتبه، تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن بلاغی ۲ مرتبه، نورالتقلین حویزی ۱۴۲ مرتبه و

شیشی، نفی ماعدا از آن نمی‌کند و ثانیاً بلحاظ توقع بیشتری است از مؤمنین درباره عمل به این دستورات...» (صرافزاده‌کاشانی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۵).
مهم‌ترین شیوه‌های اقناعی ایشان، به شرح ذیل است:
۱-۲-۱-۳- کاربرد فراوان امثله و داستان در تفهیم

نکات تفسیری

یکی از ویژگی‌های مهم این تفسیر، طرح خلاقانه مباحث تفسیری با مثال‌های ساده، رسا و قابل فهم برای عموم مخاطبان کلام وحی است. ایشان با استفاده از تمام ابزارهای بیانی مانند آرایه‌های ادبی و بیانی، شعر فارسی و عربی، ضرب‌المثل، تمثیل، نکات ادبی و بلاغی ادبیات عرب و.. کوشیده است تا به شکلی کاملاً خلاقانه به بررسی تمام نکات و دقایق آیات قرآن کریم بپردازند؛ چنانکه در تفسیر آیات آغازین سوره علق آورده است: «وقتی جبرئیل به پیامبر (ص) گفت: بخوان! پیامبر (ص) فرمود: چه بخوانم و معلوم است این تعبیر از کسی درست است که بهره‌ای از خواندن داشته باشد» در ادامه برای فهم بهتر مطلب، ضمن ایراد مثالی، می‌گوید: «از باب مثال؛ به کسی گفته می‌شود یک قصبه بخوان که توان و بهره‌ای از شعر و شاعری داشته باشد و درست است که بگوید: در چه موضوعی بخوانم؟ و اما کسی که عامی صرف باشد می‌گوید: من از شعر و شاعری اطلاعی ندارم.» (صرافزاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳/۵۳).

ایشان ناتوانی پیامبر (ص) در خواندن و نوشتن را پنداری غلط دانسته و در برآیند کلی مطلب، ضمن استناد به سوره عنکبوت، خطاب به پیامبر (ص) نقل می‌کند که: «تو کتابهای معمول روز را نمی‌خواندی و مطلبی نمی‌نوشتی. این تعبیر نمی‌رساند که پیامبر (ص)

اللثالی، اللثالی الاخبار، معالی السبطين حائری، المراقبات، مروج الذهب مسعودی، مفردات راغب، لسان العرب ابن منظور، مجمع البحرين طریحی، برهان قاطع، شرح مختصر تفتازانی، الفیه ابن مالک در شمار سایر منابعی است که در تفسیر خود از آن‌ها بهره برده است.

۲-۱-۳- استفاده از انواع شیوه‌های اقناعی برای جلب مخاطب و تفهیم مطلب

قدرت اقناع یا اثرگذاری بر مخاطب در شمار یکی از مهم‌ترین اهداف هر خطیب یا رتور در خطابه یا رتوریکا است (پاشا صالح، ۱۳۸۳: ۱۳-۴۰؛ نیز رجوع شود به: ضیایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۱) و ارسطو در کتاب فن خطابه خود، استدلال آوری منطقی، درک سرشت انسانی و نیز عواطف و احساسات بشری در هر شکلی را از مهم‌ترین شیوه‌ها و ابزار اقناعی مخاطب دانسته که در قالب استدلال بر اساس قیاس و نیز استقرا از جز به کل رفتن همراه با تمثیل و مثال آوری ارائه کرده است (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۵). صرافزاده، در جلد دوم تفسیرشان، مجموع خطابات خداوند متعال به اهل ایمان را در قریب به ۹۰ آیه شریفه قرآن کریم، مصدر به «یاایهاالذین آمنوا» به طور اجمالی شرح داده و معتقدند خداوند در این آیات قصد تذکر به مومنان را داشته است. ایشان در ادامه با استفاده از روش اقناعی سعی دارد تا مخاطبان را با استشهاد گرفتن از آیات و روایات ائمه معصومین (ع)، در این زمینه مجاب سازد. البته از تذکر و توجه و ذکر فروع و فقهی هم غافل نبوده و در خلال بحث خود بدآن‌ها اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، درخصوص این خطاب‌های الهی به مومنان آورده‌اند: «اگر گفته شود پس چرا خطابات در فروع بمومنین شده است جوازش آن است که اولاً اثبات

در حوزه دانش بشری و معارف عقلی، استدلال‌ات منطقی از منحصر به فردترین روش‌های پژوهش‌اند که معارف عقلانی را سازماندهی می‌کنند (زارع و مصطفایی، ۱۳۹۳: ۲). در واقع حجت یا استدلال منطقی، پیچیده‌ترین و اساسی‌ترین عمل ذهن انسان است که دستیابی به بخش عمده‌ای از تمدن و فرهنگ بشری را فراهم کرده و بحث پیرامون آن یگانه ابزار و سلول تشکیل دهنده معرفت علمی است (میرجانی، ۱۳۸۹: ۳۸). تمثیل هم در کنار قیاس و استقرا از اقسام استدلال است که می‌توان از قضایای معلوم به قضیه‌ای مجهول رسید (خندان، ۱۳۸۱: ۲۵۳؛ نیز رجوع شود به: صادقی تحصیلی و دیگران، ۱۳۹۵). مؤلف نیز در تفسیر خود بارها برای اقناع مخاطب به این استدلال آوری یا تمثیل‌گرایی روی آورده‌اند؛ چنانکه گاهی بر سخنان بعضی از اعظام (قده) ایراد وارد کرده و با بحثی مستدل، سخنان ایشان را در آن مورد خاص، رد کرده‌اند؛ برای مثال، ذیل بحث ورود مشرکین به مسجدالحرام، بعد از بیان یک بحث استدلالی و اعلام نظر فقها در این خصوص، ایرادی را بر نظر برخی از اعظام فقها وارد کرده‌اند که بدین شرح است: «مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی در منهاج خود می‌فرماید: مشهور آن است که دخول مطلق کفار در مساجد جایز نیست و این مطلب را با دلیل نمی‌توان اثبات کرد؛ مگر اینکه ورود آنها موجب هتک حرمت مسجد شود...»

در ادامه آیت‌الله صراف‌زاده در رد این مسأله آورده‌اند: «اقول بلکه مطلب این‌طور نیست که فرموده‌اند چون پیامبر (ص) وقتی فتح مکه نمود؛ فرمودند: هرکس برود به منزل خود و پناهنده شود؛ کاری باو نداریم و کسی که در پناه فلانی واقع شود؛ در امان است و حال آنکه

نمی‌توانسته بخواند یا بنویسد؛ بلکه مصلحت در نوشتن و خواندن بوده است. چگونه پیامبر (ص) نوشتن را نمی‌دانسته و حال آنکه به نویسندگان خود شیوه زیبانویسی را می‌آموخت... مؤلف می‌گوید: چگونه دستور به خوشنویسی می‌دهد کسی که اطلاع از نوشتن ندارد و چگونه خصوصیات نوشتن را می‌آموزد کسی که از نوشتن عاجز باشد؟ خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: قبل از نبوت نه کتابی می‌خواندی و نه مطلبی می‌نوشتی؛ چون اگر می‌خواندی و می‌نوشتی باطل‌گرایان در ارتیاب و بدگمانی می‌افتادند» (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳ / ۵۷-۵۸). صرف‌زاده برخلاف نظر معروف در نزد مفسران که پیامبر (ص) «امی» بوده و خواندن و نوشتن نمی‌دانسته؛ معتقدند دقت در روایات، این معنی را تکذیب کرده و منظور از «امی» بودن «حضرت (ص) این است که از «ام القری» بوده‌اند (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳ / ۶۵). در واقع ایشان در تفسیر هر آیه، به محور عمودی کلام الهی در کل سوره توجه داشته و بعد به تفسیر پرداخته‌اند؛ همچنین در تفسیر سوره توحید در بیان تفاوت افراد بشر با ذکر مثال داستان معروف مثنوی «مردبقال و طوطی» توانسته است مطلب را به خوبی تبیین کند (صراف زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۷۷ برای نمونه‌های بیشتر رجوع شود به: حکایت طیب شهر مدینه از گلستان سعدی: صراف‌زاده، ۱۳۸۴: ۵ / ۲۱۳؛ ذکر چهار مثال در تحلیل و تبیین نوع «لام» در یک آیه: همان: ۵ / ۲۴۱-۲۴۲؛ ذکر چهار مثال برای اقسام حق: صراف‌زاده، ۱۳۸۲: ۴ / ۳۵۸).

۲-۱-۳- روی آوردن به استدلال و تمثیل در بیان نکات تفسیری و نقد دیگر شارحان

قدرت بر بیرون کردن آنها داشت و همه اهل مکه هم مسلمان نشده بودند و روایاتی در ابواب مختلفه آمده است که از آنها استفاده می‌شود که در مدینه و حجاز کفار زیادی ساکن بودند؛ چنانکه در باب غسله حمام فرمودند: پرهیز نما از غسله حمام چون در آن جمع شده غسله یهودی و نصرانی و مجوسی و ناصبی وسایل جلد اول ص ۱۵۹ مقصود از نقل روایت اثبات این است که در آن مناطق یهودی و نصرانی و غیر آنها وجود داشته‌اند» (صرافزاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۷۷/۲-۳۷۸) یا استدلالی که در ردّ نظرساحب *المنازل* در خصوص «تفکیک قائل شدن بین دیدن خدا و پیامبر (ص) و مؤمنین» ایراد کرده؛ در همین زمره قرار دارد (صرافزاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۷/۵؛ نیز ر.ک: صرافزاده، ۱۳۸۲: ۱۶۷/۴). وی در تفسیر خود، بیش از آنکه مقلد دیگران باشند و نکات تفسیری را از دیگر تفاسیر استخراج کند؛ بیشتر به دنبال تحلیل و استدلال‌گری در ایراد مفاهیم و مضامین تفسیری بوده‌اند.

۳-۱-۲-۳- استفاده از روش طرح سؤال و جواب برای رفع شبهات

از مهمترین اهداف اقتناع، ایجاد شک، کاهش مقاومت، تغییر و تقویت موضع و ایجاد رفتار است و اقتناگر می‌تواند با طرح سؤال، نوعی شکاف در اطمینان مخاطب نسبت به دانسته‌های خود با آنچه نمی‌داند؛ ایجاد کند و او را برای پرکردن این شکاف، کنجکاوتر کرده و به تفکر و تأمل وادارد و در نهایت با کاهش مقاومت به درک و تشخیص صحیح مخاطب کمک کند (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: طرزجانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴؛ ادموندسی، ۱۳۹۲: ۱۲). در این تفسیر هم شارح

برای اقتناع مخاطبان خود با طرح سؤال و دادن جواب‌های متقن بدان‌ها برای چالش‌انگیزی در ذهن مخاطبان و ترغیب آن‌ها به بحث و رفع شبهات احتمالی در ذهنشان بسیار کوشیده است. در واقع، تفسیرشان همانند یک کتابنامه درسی با اهداف آموزشی و تربیتی در راستای پاسخ‌گویی به مسائل، مشکلات و معضلات روز جامعه تهیه شده است؛ برای مثال ذیل تفسیر آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ بقره به آیه ۴۵ سوره مائده «وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعين و الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفاره له..» این‌گونه آورده است که بر بنی اسرائیل در توریه نوشته شده که نفس مقابل نفس قصاص شود؛ درحالی که اطلاق این آیه درباره مرد و زن و طفل و مسلمان و غیر مسلمان بدون شرط است؛ لیکن در سوره بقره آیه ۱۷۸ تفصیل قائل است؛ پس این دو امر را چگونه می‌توان جمع کرد؟ شارح معتقد است که به این سؤال از چند جهت می‌توان پاسخ داد: یکی اینکه گفته شود این حکم مربوط به تورات است. جواب دوم اینکه آیه سوره مائده در مقام این است که در مقابل عضو نفس قصاص نمی‌شود؛ بلکه نفس مقابل نفس و هرعضوی مقابل عضو مماثل خودش قصاص می‌شود؛ بنابراین آیه از این جهت ذکر شرایط قصاص نفس در مقابل نفس ساکت و مجمل است و مقداری از شرایط در آیه ۱۷۸ بقره و بقیه شرایط آن در روایات ذکر شده است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: صرافزاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۴۵-۵۳؛ نیز برای نمونه‌های بیشتر رجوع شود به: همان، ۱۳۸۶: ۱۱۳/۶-۱۱۴). البته ایشان گاهی با ذکر عنوان «سؤال و جواب» و گاهی نیز بدون ذکر این عنوان به طرح

سؤال و پاسخ‌گویی بدان پرداخته است؛ چنانکه در جلد اول «۲۳» سؤال و جواب، جلد دوم «۳۰» سؤال و جواب، جلد سوم «۶» سؤال و جواب، جلد چهارم «۱۳» سؤال و جواب، جلد پنجم «۳۳» سؤال و جواب و جلد ششم «۱۱» سؤال و جواب مطرح کرده‌اند. جلد پنجم با توجه به اینکه در شرح و تفسیر سوره نور بوده و بسیار بحث‌انگیز است و احکام گوناگون از جمله مسائل مربوط به زنان را شامل شده؛ در نتیجه، میزان سؤال و جواب‌ها نیز به فراخور موضوع، بیشتر است.

۴-۲-۱-۳- ایضاح بعد از ابهام و تلطیف نکات تفسیری با استفاده از زبان ادبی

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز تفسیر ایشان برای اقناع مخاطبان، این است که از شیوه ایضاح بعد از ابهام بهره برده و برای تفهیم بهتر و بیشتر مطالب از مثال‌های قرآنی، روایی و ادبی بهره می‌گیرند؛ چنانکه در تفسیر آیه ۵۸ سوره نور «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرآت قبل صلاه الفجر...» به حیا و اقسام آن (مذموم و عقلانی) اشاره کرده و بعد احادیثی از پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت عیسی (ع) در باب حیا ذکر کرده است؛ اما در ادامه برای ایضاح بهتر مقوله حیا، یک حکایت ادبی (حکایت گنجشک و باغبان) و دو بیت از *مثنوی* را ضمیمه تفسیر خویش کرده است (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۴۶/۵-۲۴۵)؛ گاهی هم مؤلف از داستان‌های تاریخی موجود در منابع اسلامی مانند *مروج الذهب* و *ربیع الابرار* و غیره برای تلطیف کلام خود بهره برده است (صراف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۷۱/۴)؛ همچنین وی برای انگیزش مخاطبان، سعی کرده‌اند تا با به کار بردن عناوین خلاقانه، ظریف‌ترین و نغزترین

نکات تفسیری را به شیوه‌ای جذاب مطرح کنند؛ برای مثال در تفسیر سوره علق، مفاهیم تفسیری آیات را با عناوینی مانند: «پنداری غلط»، «تردید بجا و تردید بیجا»، «از مرگ گریزی نیست»، «معلم واقعی کیست»، «جانیان بشر» و ... بیان کرده‌اند (برای توضیح بیشتر ر.ک: صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳/ ۵۳-۵۸ و نیز ر.ک: همان: ۸۲؛ ۱۰۸؛ ۱۷۱؛ ...). یا ذیل تفسیر آیه ۳ سوره نور، ضمن اشاره به روایتی از امام حسین علیه السلام که فرموده‌اند: «باید دید چه کسی خواهان یزید و امثال اوست و چه کسی تمایل به اهل بیت علیهم السلام دارد» برای ایضاح و تلطیف کلام به بیت ذیل اشاره کرده است:

کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز
(صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۴/۵)

ایشان گاهی در لابه لای مباحث تفسیری، برای تلطیف کلام و اقناع بیشتر مخاطب از اشعار فارسی و عربی به ویژه اشعار شاعران بزرگ زبان فارسی مانند حافظ و سعدی و مولوی و شاعران مشهور عرب زبان مانند فرزدق، شافعی و... بهره برده‌اند؛ برای مثال بیت ذیل از فرزدق است:

«یغضی حیا و یغضی من مهابته

ولا یکلم الا حین یبتسم»

(صراف زاده، ۱۳۷۸: ۷۸)

برای نمونه، در جلد اول ۳۵ بیت فارسی و ۱۰ بیت عربی-بدون احتساب پنج بیت عربی در متن داستان‌ها- و در جلد سوم این تفسیر ۲۷ بیت فارسی و عربی ذکر شده که از این مجموع ۷ مورد آن عربی^۱

۱. غیر از این هفت مورد به دو نمونه شعر عربی هم در خلال داستان‌ها اشاره شده که مربوط به اصل آن روایت است.

را دیده بودند و لباس‌های بدن‌نمای زمان ما را مشاهده نکرده بودند؛ بنابراین نباید در روایت دخل و تصرف نمود و باشد که گذشت زمان معنای روایت را روشن سازد» (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۱/۵) مؤلف برای تحلیل بیشتر و بهتر مطلب، به دو روایت دیگر در این راستا اشاره کرده است که در روایت نخست به نقل از الترغیب و الترهیب، ۳/ ۹۴ آمده است: نساءهم کاسیات عاریات، علی روسهن کاسنمه البخت العجاف....» و در دومین روایت از همان منبع آمده است «...تلبس ثوبا رقیقا یصف لون بدن‌ها...» که در این روایت به مفهوم نازک بودن و بدنمایی لباس زنان بدون اشاره به لفظ «کاسیات عاریات» اشاره شده است (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۱/۵)؛ البته این روش‌مندی در نقل آرا در مجلدات ۴ و ۵ و ۶ بیش از سایر جلد‌ها مشاهده می‌شود؛ چنانکه ذیل تفسیر آیه شش سوره احزاب، پیرامون بحث احترام خداوند از زنان پیامبر (ص)، ابتدا آرای افرادی مانند آلوسی، زمخشری، ابن اثیر، ابن عربی، فخر رازی در *الکبیر*، سیوطی در *درالمنثور* و محمدرشیدرضا در *المنار* را آورده و بعد از تحلیل و تلفیق این مطالب مؤلف در پایان هر بحث رأی خود را آورده است (صراف‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۵/۶-۱۲۰؛ نیز رجوع شود به: همان: ۳۹/۶؛ صراف‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۹/۴).

۳-۱-۲-۶- استفاده روش‌مند از متد تحلیل لغوی

یکی دیگر از شیوه‌های رایج در تفاسیر اسلامی برای درک و فهم بهتر مضامین و مفاهیم قرآنی، استفاده از متد تحلیل لغوی^۱ است. در تفسیر *الهادی*، به شکلی

است و همگی نشان می‌دهد که تمایل ایشان برای استفاده از اشعار فارسی بیشتر از عربی بوده است؛ به گونه‌ای که در سایر مجلدات نیز بسامد آماری اشعار فارسی بیشتر از عربی است.

۳-۱-۲-۵- تلفیق‌گرایی و تحلیل روش‌مند در نقل آرا
روش نقل آرای دیگران به دو شکل تلفیق و التقاط، امری متداول است با این تفاوت که محقق در تلفیق بیشتر به دنبال ترکیب منسجم آرا بعد از نقد و رفع تعارض و بازسازی به نحو سازگار و ترکیب کردن مطالب است؛ ولی التقاط، بیشتر ترکیب آشفته‌ای است از چیدن آرا کنار هم بدون توجه به تعارض مبانی و ناسازگاری آنها است. در تلفیق‌گرایی، زایایی و اثربخشی و در التقاط‌گرایی، عقیم شدن پژوهش حاصل می‌شود (یزدان‌پناه، ۱۳۹۳: ۳۸). صراف‌زاده هم در تبیین و توصیف مطالب بیشتر به دنبال تلفیق مباحث و آرای دیگران است؛ چنانکه ذیل تفسیر آیه ۲ سوره نور، به حدیث شریفی از حضرت علی علیه السلام به نقل از کتاب *من لا یحضر الفقیه*، ۳/ ۲۴۷ و *منتخب کنز العمال*، ۶/ ۵۲۴؛ به شرح ذیل اشاره کرده است: «عن اصبع بن نباته قال سمعت عن امیرالمؤمنین علیه السلام یقول: یظهر فی آخرالزمان.. و هو شر الازمنه- نسوه کاسیات عاریات، متبرجات، داخلات فی الفتن....» و در ادامه، ضمن تلاش برای رفع تعارض و ترکیب منسجم آرا بیشتر از روش علی بهره برده است و در پاورقی کتاب ذیل واژه «تذکر» اینگونه مطالب متعارض را حلاجی می‌کند: «پوشیده نماند که در نسخه‌های اصلی «کاسیات عاریات» بوده است؛ بعدها دیده‌اندکه جمع بین پوشیده و برهنه نمی‌توان نمود؛ گفته‌اند «کاشفات عاریات» باشد؛ ولی غافل از اینکه آنها لباس‌های ضخیم قدیمی

۱. ر.ک: آقاعتمی، ۱۳۹۳: ۱۱۹.

را نکشد بلکه تبدیل کند قصاص را به خون‌بها یا عفو کند و لکن باید ترحم بر پلنگ تیز دندان نشود؛ لذا در قرآن می‌فرماید بعضی از اشخاص هستند که اگر مسلط شوند؛ اصلاً مراعات در هیچ چیز نمی‌کنند نه قرابت و خویشاوندی و نه عهد و پیمان....» (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۲/۵۳). گاهی از مثل‌های سایر عربی و فارسی برای فهم بهتر مطالب استفاده می‌کند؛ برای مثال:

جزی بنوه ابالغیلان عن کبر

و حسن فعل کما یجزی سنمّار

پسر نوح با بدان بنشست

خاندان نبوتش گم شد

(صراف زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱/۱۵۰ و ۳۴۷).

۴-۱-۳- توجه به اشتراکات معانی سور قرآنی و دسته‌بندی موضوعی مطالب

یکی دیگر از محسنات روش مؤلف توجه به وجوه مشترک معانی بین برخی از سوره‌های قرآن و ذکر آنها در طی یک مجلد است؛ البته ایشان کوشیده‌اند در هر یک از مجلدات مذکور، از شیوه‌های نسبتاً بدیع برای تفسیر آیات بهره برده و تنها به یک روش بسنده نکنند؛ چنانکه تنها در جلد چهارم این تفسیر با استفاده از روش مذکور کوشیده‌اند تا با در نظر گرفتن وجوه اشتراک سوره‌های ضحی، انشراح و کوثر، مخاطب را در شناخت بهتر و بیشتر شخصیت حضرت رسول اکرم (ص) و عنایات الهی به ایشان یاری رسانند؛ به گونه‌ای که در پیشگفتار این جلد آورده‌اند که: این سه سوره درباره پیامبر (ص) و عنایات خداوند نسبت به وجود عدیم‌المثال ایشان است.

چنانکه در سوره ضحی به اقتضای ربوبیت الهی در رفتار با پیامبر (ص) و حفاظت و مراقبت از ایشان

کاملاً روش‌مند برای اثرگذاری بیشتر بر روی مخاطب از آن، استفاده شده و مؤلف در تمام مجلدات، بر روی معانی مختلف یک یا چند واژه کلیدی تمرکز کرده و بعد از تلفیق تمام آرا درباره آن، نتیجه‌گیری می‌کند؛ برای مثال، در جلد سوم تفسیر خود، ذیل تفسیر سوره نصر بر روی معانی الفاظی مانند: «نصرت»، «غلبه»، «ظفر»، «سلطه»، «نفی سبیل» و «تولی» تمرکز کرده و برای هر یک با استناد به مفاهیم قرآن کریم، شرح و تحلیل‌هایی را ذکر کرده و بعد از تلفیق همه این مفاهیم، نتیجه‌گیری نهایی خود، درباره آیات آغازین سوره نصر و نیز بررسی نسبت واژه «نصر» با «فتح» را بیان می‌کند (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳/۲۸۲-۳۰۱)؛ همچنین ذیل تفسیر سوره کوثر به تحلیل و بررسی تفاوت معنایی لغت «ایتا» و «اعطا» پرداخته و در ادامه واژه‌های «معطی»، «معطی‌له» و «معطی‌به» را شرح داده است (صراف زاده، ۱۳۸۲: ۴/۱۹۵-۱۹۸).

۳-۱-۳- زبان ساده، روان و قابل فهم برای عوام
نثر ایشان بسیار ساده و روان است، البته گاهی مشکلات دستوری و اشکالات نگارشی-ویرایشی و کلمات نامأنوس هم در آن بیان شده است؛ اما با وجود این، یکی دیگر از محسنات تفسیر ایشان آن است که هرگز در آن دچار تصنع و تکلف نشده و بازبانی ساده، روان و قابل فهم برای همگان به شرح و تفسیر آیات قرآن کریم پرداخته‌اند؛ چنانکه در تفسیر آیات ۱۷۸-۱۷۹ سوره بقره از امثال سایر هم استفاده کرده تا بهتر بتواند مفهوم و غرض اصلی آیات را به مخاطبان انتقال دهد؛ چنانکه در شرح عبارت «ذلک تخفیف من ربکم و رحمه..» فراز پایانی آیه می‌گوید: «... اینکه ولی مقتول می‌تواند در صورتی که مصلحتی در بین باشد او

مسائل روز جامعه نیز توجه داشته باشد؛ چنانکه آورده است: «مؤلف می‌گوید: فعلاً جامعه ما دچار چنین مشکلی شده است؛ یعنی زنان جوامع به انواع مخلف بدون هیچ پروا در بین اجتماع نمایان شده، حتی درب مغازه‌ها برای جلب بیشتر مشتریان آنها را آورده و مشغول خرید و فروش شده‌اند...» (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۵/ ۲۱).

نیز مؤلف در پایان جلد پنجم ذیل تفسیر سوره نور به‌گونه‌ای مستدل به مسائل روز جامعه مانند امر به معروف و نهی از منکر، قصاص، دوری از دزدی، رعایت حجاب و عفت، زنا، قتل نفس و سقط جنین، شهادت ناحق، ترک دروغ و ظلم به دیگران و رعایت امانت پرداخته‌اند (صراف‌زاده، ۱۳۸۴: ۵/ ۳۰۰-۳۵۱).

۱-۳-۶ شرح و تفسیر فنی آیات قرآن کریم با التزام به مباحث فقهی، حقوقی، صرفی-نحوی و...

روش ایشان در نقل مطالب تفسیری بیشتر از نوع فنی است؛ زیرا همواره کوشیده‌اند تا در کنار شرح و تفسیر آیات به قواعد فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی و منطقی هم اشاره کنند؛ برای مثال، ذیل تفسیر سوره علق، آیات ۱۶-۲۰ به «قاعده جبّ» یعنی صرف نظر کردن خداوند از خلاف‌کاری‌هایی کفار در حال کفر برای تشویقشان به اسلام‌آوری اشاره کرده است (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳/ ۱۸۷-۱۸۸).

سپس در کنار قاعده جبّ، به تمثیلات داستانی، مانند قصه مردی به نام عیص بن قاسم از کتاب *وسایل الشیعه* اشاره کرده و ضمن اشاره به ضعف سند آن، چهار روایت دیگر از *بحارالانوار* و *منتهی الامال* و *نورالتقلین* آورده است و در ادامه به کنایات قرآنی و اصطلاحات خاص قرآنی در ذیل این آیه و نیز ذکر

اشاره کرده و راجع به احوال حضرت از کودکی تا بزرگسالی نکاتی را بیان می‌کند و پیامبر (ص) را امر به رفتار کریمانه با یتیمان و بازگویی نعم الهی امر می‌کند؛ اما در انشراح به شرح صدر پیامبر (ص) در انجام رسالتش اشاره می‌کند. اینکه با هر سختی، آسانی است و خداوند متعال آن حضرت را کفایت می‌کند و در سوره کوثر بیشتر جنبه دلداری دارد و خداوند در آغاز و پایان این سوره بین خیر کثیر و منقطع از خیر مقابله قرار می‌دهد (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۲: ۴/ ۹-۱۰).

درواقع شارح با تلفیق وجوه مشترک معنایی هر سه سوره در یک جلد می‌کوشد تا به قرآن پژوهان و مخاطبان آیات وحیانی کمک کند تا به ژرفای آیات بیاندیشند و غیر از محور افقی معنایی قرآن به محور عمودی آیات از حیث مفهوم و موضوع هم توجه کرده و به شناخت جامع‌تری در این زمینه برسند.

۱-۳-۵ توجه به مسائل روز در تفسیر از دیگر محاسن این تفسیر آنست که در ذیل تفسیر آیات، مسائل و مشکلات اجتماعی عصر مؤلف در بوته نقد قرار گرفته و با استفاده از آیات و روایات، تحلیل و واکاوی شده است؛ برای مثال، در تفسیر آیه ۵۸ سوره نور؛ آمده: «مؤلف می‌گوید: تستر زنان و دختران از پسران در منزل، برای حفظ عفت طرفین، شرعاً و عقلاً مطلوب است، خصوصاً در این زمان که پسران و دختران سن زیادی داشته و ازدواج نکرده‌اند.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هرچه دیده ببند دل کند یاد»

(صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۴: ۵/ ۲۴۸)

همچنین ذیل تفسیر آیه ۲ سوره نور ضمن تفسیر آیه سعی دارد تا به نقد مشکلات و معضلات اجتماعی و

آیه، نکات دستوری، بلاغی و ادبی آیه و گاهی هم به شرح و ترجمه مفصل آیه و بیان برداشت‌های شخصی خود یا درس‌ها و نکات عبرت‌آموز آن آیه، اشاره کرده است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: تفسیر آیه ۱۰۴ سوره بقره: صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۸-۳۰). البته ایشان از این شیوه واحد تا پایان تفسیر خود، استفاده نکرده است؛ چنانکه در تفسیر آیه ۱۵۳ و ۱۵۴ بقره به گونه‌ای دیگر عمل کرده‌اند. ابتدا بعد از ذکر این دو آیه «یاایهاالذین آمنوا بالصبر و الصلاه ان الله مع الصابرين..... و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لاتشعرون» به ترجمه آن از زبان خود اهتمام ورزیده و در ادامه، بدون آوردن عنوان «بیان مطلب»، نکات کلیدی آیات را با استعانت از سایر آیات مرتبط و نیز احادیث روایی و نامه‌ها و حکمت‌های **نهج البلاغه** بیان کرده است (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۰-۳۵). به طور کلی ایشان در جلد دوم تفسیر خود از شیوه واحدی برای تفسیر بهره نبرده‌اند و ذیل هر آیه به تناسب محتوا، موضوع و نکات کلیدی آن شیوه متفاوتی را در نظر گرفته‌اند؛ اما در جلد ششم تفسیر سوره احزاب - مطالب کمی منسجم‌تر و منظم‌تر تنظیم و تبویب شده‌اند؛ ابتدا در مقدمه وجه تسمیه سوره و شأن نزول آن بیان شده و در ادامه شرح و تفسیر آیات این سوره به ترتیب آغاز شده است؛ اما با وجود این، هنوز نمی‌توان، یک نوع نظم و انسجام منطقی را در آن، مشاهده کرد (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۶: ۹-۲۵)؛ زیرا مؤلف به دلیل دایره وسیع مطالعاتی و نیز تتبع خاص علمی و روحیه پژوهشگری‌اش کوشیده تا اطلاعات جامع، مانع و مستدل و مستند بسیاری را جمع‌آوری کند، از این رو

قواعد صرفی-نحوی و دستوری پرداخته است (همان: ۱۸۷/۳-۱۹۲)؛ همچنین ذیل تفسیر آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نسا به قاعده فقهی و حقوقی «ضمان آور بودن خطای اضرار» اشاره کرده‌اند (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۶۳) یا ذیل تفسیر سوره قدر، به بررسی فقهی احکام نجوا از حیث حلال و حرام پرداخته و موارد مستثنا را یاد کرده‌اند (صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۹۵).

همچنین بررسی‌ها نشان داد که ایشان به قواعد صرفی-نحوی، دستوری و بلاغی زبان و ادبیات عربی هم واقف بوده و در تفسیرشان بدان‌ها اشاره کرده‌اند (برای توضیح بیشتر ر.ک: صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۸۴؛ نیز رجوع شود به: همان، ۴: ۱۳۸۲/ ۱۹۶). براساس مطالب فوق، تفسیر ایشان، نسبتاً تفسیری جامع و فنی بوده است.

۲-۳- معایب و اشکالات تفسیر الهادی الی الحق المبین در نقد روش‌شناسی کلیه ابعاد و سویه‌های روش علمی به کار رفته در متن و رویکردهای محقق، مورد نقد، بررسی، توصیف و داوری قرار می‌گیرد؛ از این رو، نگارندگان، علاوه بر محاسن، به معایب و اشکالات این تفسیر هم اشاره کرده‌اند:

۱-۲-۳- عدم استفاده از شیوه علمی واحد و یکدست در تفسیر آیات

شیوه ایشان گاهی به ویژه در جلد دوم تفسیرشان، بدین شرح است که ۹۰ آیه قرآن کریم که با لفظ «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده را جمع‌آوری کرده؛ سپس تک‌تک این ۹۰ آیه را با ذکر ترجمه تحت اللفظی آورده است. در ادامه ذیل عنوان «بیان مطلب» یا در برخی موارد «مطلب» به شرح و توضیح کلمات کلیدی

لازم بوده تا قبل از به طبع رسیدن، مطالب ذیل هر سوره با شیوه‌ای یکسان و منظم تهیه و تنظیم شود.

۲-۲-۳- عدم ارائه فهرست مطالب در برخی مجلدات و نیز عدم ارائه فهرست اعلام، اشخاص و احادیث در پایان هر جلد

یکی دیگر از معایب مهم این تفسیر، آن است که در آغاز برخی از مجلدات مانند جلد دوم این تفسیر، به فهرست مطالب اشاره نشده است؛ در صورتی که فهرست مطالب نقش بسیار مهمی در کشف موضوعات و مطالب موجود در متن دارد؛ همچنین در همه مجلدات به فهرست اعلام و اشخاص و احادیث نیز در پایان آن اشاره نشده است (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۰ و نیز همان: ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶). در برخی از مجلدات تفسیری ایشان، به منابعی اشاره شده که نام آن‌ها در فهرست مطالب نیامده و ارجاع به این منابع نیز ناقص است؛ برای مثال، در تفسیر سوره نور داستانی از جلد چهارم کتاب *ریاحین الشریعه* نقل شده؛ ولی در فهرست منابع به این کتاب اشاره‌ای نشده است (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۴؛ ۳۲/۵).

۳-۲-۳- عدم رعایت ترتیب در تفسیر سوره‌های قرآن مفسران اسلامی به‌طور معمول در تفاسیر خود به ترتیب سوره‌های قرآن عمل کرده و تفسیرشان از سوره حمد تا ناس تنظیم شده است؛ گاهی هم عده‌ای بر اساس موضوع و شماری هم به صورت گزینشی عمل کرده‌اند و این درحالی است که مؤلف از شیوه انتخابی و گزینشی برای تفسیر آیات بهره برده است و مهم‌ترین هدف ایشان آن بوده تا با در نظر گرفتن وحدت موضوعی برخی سوره قرآن، مفاهیم و مضامین مشترک را در کنار یکدیگر بیاورد و نوعی نظم محتوایی و

قربت معنایی و اتحاد مضمون برای معرفت بیشتر قرآن ایجاد کند؛ چنانکه مجلد اول فقط شامل تفسیر سوره‌های حمد، قدر و توحید است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: صراف زاده کاشانی، ۱۳۷۸؛ ۸/ ۴۵ به بعد)؛ چون تاکنون فقط شش جلد از این تفسیر آماده و به طبع رسیده است و هنوز ناقص است؛ باید ذکر شود که مؤلف در این شش جلد تنها به تفسیر سوره‌های «حمد، قدر، توحید، علق، نصر، ضحی، انشراح، کوثر، عصر، نور و احزاب» پرداخته‌اند و تفسیر سایر سوره‌های قرآن هنوز باقی مانده و به طبع نرسیده است؛ هر چند بنا بر نقل پسر ایشان حاج شیخ علی آقا صراف زاده، بالغ بر صد دفتر صدر برگ از نوشته‌های ایشان هم اکنون در دست است که با خطی خوش و بسیار مرتب نوشته شده است که اگر تمام دست‌نوشته‌های ایشان، ثبت و ضبط و گردآوری شود؛ بالغ بر ۵۰ جلد کتاب از ایشان به یادگار خواهد ماند. ایشان در جلد هفتم به تفسیر سوره یوسف (ع) و ذکر بخشی از شرح حال حضرت زهرا (س) و ماجرای فدک اشاره کرده‌اند که این نسخه هنوز به زیور طبع آراسته نیست.

۴-۲-۳- استفاده از زبان عامیانه و محاوره

بانندگی تأمل در کل مجموعه تفسیری صراف زاده می‌توان پی برد که ایشان از رسم الخط علمی واحد و یکدستی در کل تفسیر خود استفاده نکرده‌اند؛ برای مثال، هر چند زبان ایشان به طور کلی زبان رسمی بوده؛ ولی گاهی از زبان عامیانه و محاوره نیز استفاده کرده‌اند؛ چنانکه در تفسیر آیه آغازین سوره علق با زبان عامیانه آورده‌اند که: «سید قطب نقل می‌کند که پیامبر (ص) در جمیع حالاتش ذاکر خدا بود. موقعی که

برای مثال، در ذیل تفسیر سوره قدر آمده است: «سلام کردن نمازگذار به دیگری وضعاً و تکلیفاً جایز نیست» (صراف زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۱۶) واژه «نماز گذار» غلط است و شکل صحیح آن «نمازگزار» است؛ یا در جلد دوم که به اشتباه واژه «احتیاط» به شکل «احتیاط» آمده است (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۰: ۱۸۸/۲)؛ نیز کاربرد فراوان از کلمات منون، از دیگر اشکالات این تفسیر است.

۷-۲-۳- اطناب کلام در برخی مباحث و عدم پیروی از یک نظم منطقی در چینش مطالب

یکی دیگر از نقاط ضعف این تفسیر اطناب کلامی در برخی مباحث و نداشتن نظم و ترتیب منطقی در طرح و چینش این مطالب است؛ برای مثال، ذیل آیه آخر سوره قدر «سلام هی حتی مطلع الفجر» به تفسیر و تحلیل واژه «سلام» پرداخته و این واژه را از حیث صرفی و نحوی، لغوی و جایگاه آن در روایات بررسی کرده‌اند؛ سپس موارد سلام در قرآن، احکام سلام و جواب سلام اعم از: ابتدا به سلام، افشا و نشر سلام، ترتیب سلام کردن، سلام بر غیرمسلمان، سلام نمازگزار، آداب ورود بر دیگران و اشاراتی دارند و در ادامه بعد از ذکر شأن نزول آیه به مصادیق راههای سالم و مباحثی درباره زن، نظر مردها، قمار و شراب، وضو و غسل و تیمم و زکاه پرداخته و این درحالی است که سخن در این قسمت، بسیار به درازا کشیده است و از اصل مطلب فاصله گرفته‌اند؛ اما باز در ادامه سلام را از اسمای حسناى الهی دانسته و درباره انواع سلامت و فرق بین سالم و صحیح و نیز درباره ترکیب آیه بحث کرده‌اند؛ در صورتی که بهتر بود بعد از شرح و تحلیل سلام از حیث لغوی و دستوری و جایگاه و احکام آن در

از خواب پا می‌شد؛ چنین می‌فرمود: الحمد لله الذی احياناً بعد ما امانتا و اليه النشور» (صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۱۸/۳)

۵-۲-۳- نوعی تشبث و پراکندگی در ذکر سند روایات و نقل شعر و مطلب بدون ذکر سند

ایشان در اغلب مواقع فقط به ذکر روایت بسنده کرده و به سند آن توجه نداشته است؛ که این ویژگی، یکی از مشخصات تفاسیر واعظانه و خطابی است؛ برای مثال، ذیل تفسیر آیه ۱۶ علق، به روایت عیص ابن قاسم از امام صادق علیه السلام اشاره کرده و آن را دارای ضعف سند دانسته و از آوردن سلسله راویان حدیث خودداری کرده است. در مورد اشعار فارسی و عربی هم اغلب به نام شاعر اشاره نکرده و آدرس دقیق اشعار را نیاورده است؛ برای مثال: «به قول شاعر:

«چراغی را که ایزد برفروزد

هر آنکس پف کند ریشش بسوزد»

(صراف زاده کاشانی، ۱۳۸۱: ۳۳۵)

اما در برخی از مجلدات مثل جلد ۱، نه تنها به شاعر بلکه به آدرس آن شعر هم اشاره کرده است (صراف زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۶۱/۱) و باز در ادامه مطلب، بیتی از حافظ را بدون ذکر نام شاعر و آدرس آورده‌اند (همان: ۱۶۴/۱). ایشان ذیل تفسیر سوره مبارکه حمد هم درخصوص مدح و ذم غیر مستحق برای مداح، مطالبی را بدون ذکر سند از کتاب **مکاسب شیخ انصاری**، قسمت مکاسب محرمة نقل کرده‌اند (همان: ۱/ ۶۲).

۶-۲-۳- اشکالات نگارشی و ویرایشی

در این تفسیر البته به ندرت، اشکالات نگارشی و ویرایشی و نیز اغلاط املائی و دستوری دیده می‌شود؛

روایات، مطالب را بایکدیگر تلفیق کرده و بر اساس نظم و ترتیبی منطقی آن‌ها را بیان کنند (برای توضیح بیشتر رجوع شود به: صراف‌زاده کاشانی، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۱۱-۲۲۹؛ همان، ۱۳۸۴: ۵/ ۳۰۰-۳۵۱).

۴- نتیجه‌گیری

کاشان همواره مهد عالمان و اندیشمندان سترگی همچون بزرگان خاندان فیض، نراقی، نظری و... بوده؛ که همگی در شمار موارث فرهنگی جهان اسلام‌اند و آثار بسیار فاخری در زمینه‌های گوناگون علمی و دینی نگاشته‌اند؛ شیخ حسن صراف‌زاده نیز در شمار یکی از همین شخصیت‌های کم نظیر علمی و فرهنگی کاشان است که در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خدمات شایسته‌ای را در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... انجام داده‌اند. تفسیر «*الهادی الی الحق المبین*» در شمار یکی از تفسیرهای جامع و شاخص قرآنی است که با هدف معرفت‌زایی بیشتر برای پژوهشگران این عرصه تألیف شده است. مؤلف با مطالعه منابع فراوان اسلامی و نیز استفاده از انواع شیوه‌های اقناعی و به کاربردن انواع ابزارهای زبانی، ادبی، بیانی و غیره کوشیده است تا در نگاه ظاهری، تفسیری پرمغز و ناب را با زبانی ساده و روان برای مخاطبان خود فراهم کند؛ اما در نگاه ژرف‌تر، التزام ایشان به استفاده از قواعد فقهی، اصول حقوقی، نکات بلاغی؛ صرفی-نحوی، نکات بیانی زبان عربی و نیز آرایه‌های بیانی ادب فارسی سبب شده؛ این تفسیر جنبه فنی یابد؛ همچنین استفاده فراوان از حدیث و منابع نقلی نشان می‌دهد که تفسیر مذکور دارای گرایش واعظانه و خطابی نیز هست. از مهم‌ترین محسنات این تفسیر، توجه خاص مؤلف به مشکلات و معضلات

اجتماعی عصر حاضر و راه حل آن‌ها در قرآن و روایات بوده و دیگر آنکه، ایشان در تفسیر خود بیشتر به جای التقاط مباحث به تلفیق‌گری و ارائه خلافتانه بحث اهتمام ورزیده و به جای تقلید صرف از سایر منابع تفسیری، ضمن ارائه آرای سایر مفسران اسلامی با استفاده از شیوه استدلال‌گری و تمثیل بر برخی از این آرا، ایراداتی نیز وارد کرده و بعد به صورت مستدل پاسخ داده‌اند. ایشان در تبیین و توصیف نکات تفسیری خود بسیار روش‌مند عمل کرده و با استفاده از شگردهایی مانند: آوردن مثال‌های فراوان، اشعارفارسی و عربی، ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی، طرح سؤال و جواب و غیره کوشیده‌اند تا بیشترین تأثیر را بر مخاطب داشته باشند؛ اما متأسفانه از نظر چینش و دسته‌بندی مطالب و سازماندهی آن‌ها، به‌ویژه در جلد‌های ۱ و ۲ و ۳؛ بسیار ضعیف عمل کرده و در واقع از رسم‌الخط و شیوه واحدی برای ایراد مطالب استفاده نکرده‌اند؛ ضعیفی که در جلد‌های ۴ تا ۶ کمی برطرف شده؛ ولی با وجود این، هنوز تشبث و پراکندگی در نقل مطالب و نیز گاهی در ارائه سند احادیث و روایات کاملاً مشهود است؛ همچنین اطناب در ذکر برخی مباحث و نیز اشکالات نگارشی-ویرایشی از دیگر مواردی است که امید است برای چاپ و انتشار مجلدات بعدی این تفسیر، برطرف شود.

منابع

- ادموند سی، شورت (۱۳۹۲). *روش‌شناسی مطالعات برنامه‌درسی*. ترجمه مهر محمدی و همکاران، تهران: سمت
- ارسطو (۱۳۷۱). *فن خطابه*، با ترجمه پرخیده ملکی، تهران: اقبال.

- ایمان، محمد تقی (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آسایش، حسین؛ مشیری، سید رحیم (۱۳۸۴). *روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیقات علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا*. تهران: قومس، چاپ دوم.
- آقاعتمی، حسن (۱۳۹۳). «آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در مصباح الهدایه». استاد راهنما محمدرضا حسنی جلیلیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۵). *مکاتب تفسیری*. جلد اول، تهران: سمت، چاپ دوم.
- بابایی، علی اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی (۱۳۷۹). *روش‌شناسی تفسیر قرآن*. زیر نظر محمود رجبی، تهران: سمت.
- برسرلر، چارلز (۱۳۸۹). *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*. با ترجمه مصطفی عابدینی فرد، تهران: نیلوفر.
- برومند، محمد تقی (بی‌تا). *روش‌شناسی، منطق، علم*؛ تهران: دنیا.
- یارسانیا، حمید (۱۳۹۰). *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*. قم: کتاب فردا.
- پاشا صالح، علی (۱۳۸۳). *آداب سخن*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- پوراسماعیل، احسان؛ و همکران (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی روش تفسیر قرآن به قرآن در روایات تفسیری امام صادق علیه السلام». دانش‌نامه علوم قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره ۹، صص ۴۵-۷۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸). *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (بی‌تا). *معجم البلدان*. بیروت-لبنان: دار الصادر.
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۱). *مغالطات*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دهقان طرزجانی، محمود (۱۳۸۷). *نظریه‌های تبلیغات*. تهران: دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۸۶). *راحه الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق*. تصحیح محمد اقبال، تهران: اساطیر.
- ربانی بیرجندی، محمدحسن (۱۳۸۹). *سبک‌شناسی مفسران (روش‌شناسی سیزده تفسیر قرآن)*. تهران: سفیر اردهال.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰). *منطق تفسیر قرآن ۲: (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن)*. چاپ چهارم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر مصطفی (ص).
- زارع، حسین؛ مصطفایی، علی (۱۳۹۳). *بررسی ساختار عاملی مقیاس استدلال منطقی آنا تامسون*، روش‌ها و مدل‌های روانشناختی. سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۱-۱۲.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). *نقد ادبی*. دوره دوجلدی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- سبحان، جعفر (۱۴۱۶ ه.ق). *الایمان و الکفر*. قم: موسسه امام صادق (ع).

- سهراب زاده، مهران (۱۳۹۲). *روش شناسی، معانی و کاربرد روش‌ها در تحقیقات کیفی*. تهران: سخنوران.
- شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۸۵). *منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی: جهت‌گیری نوین*. مشهد: به‌نشر.
- صاد، علی (۱۳۹۹ ه.ق.). *روش تقلد*. قم: هجرت.
- صادقی تحصیلی، طاهره؛ خسروی شکیب، محمد؛ دریکوند، عصمت (۱۳۹۵). *تحلیل لایه‌های منطقی استدلال در تمثیل‌های مرزبان نامه*. شماره ۴۰، صص ۷۹-۵۱.
- صراف‌زاده کاشانی، حسن (۱۳۸۶). *تفسیر الهادی الی الحق المبین: سلسله مباحث تفسیری سوره احزاب*. جلد ششم، کاشان: مرسل.
- _____ (۱۳۷۸). *تفسیر الهادی الی الحق المبین: مشتمل بر سوره‌های حمد، قدر، توحید*. جلد اول، قم: دفتر نشر برگزیده.
- _____ (۱۳۸۰). *تفسیر الهادی الی الحق المبین: خطابات خدا در قرآن به اهل ایمان*. جلد دوم، قم: دارالغدیر.
- _____ (۱۳۸۱). *تفسیر الهادی الی الحق المبین: سوره‌های علق و نصر*. جلد سوم، کاشان: سفیر فرهنگ.
- _____ (۱۳۸۲). *الهادی الی الحق المبین: سلسله مباحث تفسیری سوره‌های ضحی، انشراح، کوثر و عصر*. جلد چهارم، قم: خاطرات قلم.
- _____ (۱۳۸۴). *تفسیر الهادی الی الحق المبین: تفسیر سوره نور*. جلد پنجم، کاشان: مرسل.
- ضیایی، ثریا؛ رادفر، حمیدرضا؛ نوری، سولماز (۱۳۹۹). «*نظریه اقتاع رسانه‌ای و بازنمایی آن در عملکرد اطلاعاتی کتابخانه‌ها*». دوفصلنامه علمی - پژوهشی رسانه و فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی». سال دهم، شماره اول، صص ۷۹-۱۰۰.
- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۴). *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*. ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس، چاپ دوم.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*. تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۹). *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*. قم: اسوه، چاپ دوم.
- فتح‌الهی، ابراهیم (۱۳۸۰). *متدولوژی*. تهران: دانشگاه پیام‌نور، چاپ پنجم.
- _____ (۱۳۹۴). *متدولوژی علوم قرآنی*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۰). *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- _____ (۱۳۸۸). *روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا*. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۸۷). *معتصم الشیعه فی احکام الشریعه*. تحقیق مسیح توحیدی وحدت؛ به اشراف محمد امامی کاشانی، تهران: مدرسه العلیا للشهید المظهری.
- قاسمی، حمید؛ کشکر، سارا؛ ایزدپرست، لیلا (۱۳۹۴). *روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب*. تهران: جامعه‌شناسان.
- قزوینی، محمد مراد بن عبدالرحمان (۱۳۷۳). *ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد*. تصحیح سید محمد شاهمرادی، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.

- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۴۶). *تفسیر منهاج الصادقین فی الزم المخالفین*. مقدمه و پاورقی حاج میرزا ابو الحسن شعرانی و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم.
- لاری بی، کریستنسن (۱۳۸۷). روش‌شناسی آزمایشی. مترجم علی دلاور، تهران: رشد.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱ ش). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۲). *درس گفتار تفکر تقدی (روش نقد اندیشه‌ها)*. ج ۳، بی‌جا: بی‌نا.
- موحدی محب، عبدالله (۱۳۸۷). *نگاهی به فیض گذری بر وافی*. مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، سال چهارم. شماره چهارم و پنجم. صص ۴۹-۶۹.
- موسوی، سیدرضا (۱۳۹۰). «سبک تفسیری علامه طباطبایی (ره) در المیزان». فصلنامه قرآن کوثر، قرآن و علوم و معارف قرآنی. شماره ۳۹. صص ۱۱۷-۱۲۹.
- مؤلف ناشناس (۱۴۰۳ ه.ق). *حدود العالم من المشرق الی المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- میرجانی، حمید (۱۳۸۹). *استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش*. صفه، دوره ۲۰، شماره ۵۰، صص ۳۵-۵۰.
- نراقی، حسن (۱۳۶۴). *کاشان در جنبش مشروطه ایران*. تهران: ایران، چاپ دوم.
- نظر بیگی، مریم (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن و ارائه تعریفی نو از آن»، استاد راهنما دکتر محسن قاسم‌پور. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کاشان.
- والزر، مایکل (۱۳۸۷). تفسیر و نقد اجتماعی، ترجمه مرتضی بحرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- یزدان‌پناه، یدالله (۱۳۹۳). *مبانی و اصول عرفان نظری*. نگارش عطا انزلی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، چاپ پنجم.
- ناجی صدره، طاهره، (۱۳۹۶ ش). *فهم احادیث تفسیری در تسنیم*، رساله دکتری، دانشگاه مازندران